

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا) / جلسه ۲۹

۱۳۹۴ / ۰۶ / ۳۰

■ اهمیت آمادگی معنوی برای روز عرفه

■ بُعد منزل نبود در سفر روحانی

■ حرم الهی در اسارت آل سعود

■ با کاروان حسینی

■ جا ماندن از کاروان شهادت، خسران عظیم است

و امیدواریم خداوند تبارک و تعالی ما را از پیروان حقیقی و واقعی آن بزرگوار قرار دهد و ما را در دنیا از نگاه پرمحبت فرزندشان، امام عصر (عج) بهره‌مند سازد و در آخرت هم از شفاعت آن امام نصیب کرامت کند.

فردا روز ترویبه یا مترویبه است و به این عنوان شناخته شده است. روز هشتم روز بسیار مهمی است. روزه روزهای دهه اول ذی الحجه غیر از روز عید قربان، خیلی فضیلت دارد؛ ولی روز هشتم تأکید ویژه شده است. روزه روز هشتم اثر عجیبی روی شستشوی معنوی و طراوت روحانی و نشاط معنوی مؤمن دارد که کمتر روزه‌ای چنین تأثیری دارد. بنابراین از این جهت قدر شناخته شود.

روز عرفه روز بسیار مهمی از نظر معنوی است. عید قربان هم یکی از چهار عید بزرگ اسلامی ما است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَاللَّهُ

اهمیت آمادگی معنوی برای روز عرفه

موضوع سخن در جلسات جاری ما گزارش مضامین هشتمین دعا از صحیفه مبارکه نوریه عرشیه سیدالسادین (علیه السلام) بود. به چهاردهمین بند از این دعای نورانی رسیدیم که دعای پناهندگی به حضرت حق است.

پیش از ورود به بحث چند نکته است که یادآوری آن برای همه مفید خواهد بود. ماه ذی الحجه در دهه اولش به روزهای حساس رسیده و نزدیک شده است. امروز که روز هفتم است، روز شهادت مولای ما حضرت باقر العلوم (علیه السلام) است که به محضر حضرت ولی عصر (عج) تسلیت عرض می‌کنیم

هشتم را روزه بگیرید و مراقبت معنوی داشته باشید، تهلیل‌های دهگانه را تلاوت کنید و فیض ببرید. این آمادگی انسان را مهیا می‌کند که وارد روز عرفه شود. این آمادگی انسان را پله‌پله جلو می‌برد تا بتواند استفاده مناسب را به لطف خدای متعال از روز عرفه داشته باشد. اینکه انسان شب قبل دعای عرفه امام حسین (علیه السلام) را مرور کند و مضامین آن را ببیند، اینها کمک‌کننده است که انسان بتواند به لطف خدای متعال استفاده مناسبی از روز عرفه داشته باشد. به هر حال روزهای بسیار حساس و مهمی است.

روز ترویبه یا مترویبه، روز حرکت حجاج بیت الله حرام به سمت عرفات است. وجه تسمیه آن هم این است که به حضرت ابراهیم (علیه السلام) فرمان رسید آب بردارد. ترویبه ناظر بر همین است که بعدها هم رسم شده است کسانی

با ظرفیت معنوی و اسرار اخلاقی و عرفانی و روحانی خاص خودش. انسان باید مراقبت‌های معنوی و سلوکی خود را در این چند روز افزایش دهد و بیشتر مواظب ذهن، فکر و رفتارش باشد تا از سفره‌های معنوی‌ای که در این روز گشوده شده است، نصیب و افری داشته باشد. مناجات عرفه - چه مناجاتی که از حضرت امام حسین (علیه السلام) وارد شده و چه مناجاتی که از حضرت سید الساجدین (علیه السلام) وارد شده - در چنین ظرف زمانی در دسترس ما قرار گرفته‌اند. اگرچه همیشه قابل استفاده هستند، منتها وقتش روز عرفه است. چقدر خوب است که انسان خود را برای این دعای نورانی و استفاده از ظرفیت روز عرفه آماده کند. اینکه انسان همین‌گونه وارد روز عرفه شود یا اینکه مقدمات داشته باشد، با هم تفاوت دارد. مثلاً روز

فردا حرکت می‌کنم، هر کسی که می‌خواهد بیاید، بسم الله. آن خطبه، خطبه خیلی عجیبی است. در آن خطبه حضرت از اتفاقات پیش رو پرده‌برداری کردند. خیلی‌ها تلاش کردند که امام (علیه السلام) حرکت نکنند؛ ولی حضرت به هر کسی با زبان خودش مسئله را توضیح داد. هر کدام با نیاتی آمدند که این مسیر به صلاح نیست که حضرت با همه صحبت کردند و علت حرکت خود را توضیح دادند.

به هر حال روز ترویه هم از این جهت خیلی عجیب است و حس غریبی دارد. حضرت (علیه السلام) سوم شعبان وارد مکه شدند و در آن وقتی که اقامت داشتند - ماه شعبان، رمضان، شوال، ذیقعد و ذیحجه - کار وسیعی را در مکه انجام دادند؛ از سازماندهی گرفته تا تبیین و بصیرت‌آفرینی. از جمله اقدامات حضرت، در استقبال از دعوت اهالی کوفه، فرستادن

که می‌خواهند حرکت کنند، آب بردارند و به دیگران هم آب برسانند.

در آن وقت حضرت ابراهیم (علیه السلام) نگاه کرد و دید در آن صحرا اصلاً آب نیست. اهل معرفت می‌گویند این راز و سرّی دارد. آب در بین اهل معنا به معرفت تأویل می‌شود. اینجا هم می‌گویند منظور این است که عارفانه حرکت کن. به هر تقدیر بین حجاج هم از این جهت روز خاصی است و همان روزی است که حضرت امام حسین (علیه السلام) حرکت کردند و حششان را به عمره تبدیل کردند و از احرام خارج شدند. سفر عجیبی که مبدأ تحولات مهم تاریخی شد، از روز ترویه شروع شد. امروز حضرت مطلع شدند که گروهی به بهانه مراسم حج، به قصد ترور حضرت (علیه السلام) وارد مکه شده‌اند. حضرت به دوستانشان اطلاع دادند و صبح فردا خطبه خواندند و فرمودند:

بیک و سفیر مخصوصشان بود. روز عرف روز شهادت حضرت مسلم (علیه السلام) هم است. این دو روز، دو روز خاصی از این جهت در نهضت ابا عبدالله حسین (علیه السلام) است. روز ترویج که روز آغاز حرکت است و روز عرفه که روز شهادت حضرت مسلم است. حال و هوا و پیام‌های خاصی برای اهل مراقبات حسینه دارد.

بعد منزل نبود در سفر روحانی

خودتان را با حجاج همراه کنید، برای آنها دعا کنید، صدقه دهید، ارتباط معنوی بگیرید و خودتان را با آنها همراه بدانید. این همگامی منافع معنوی و سلوکی خاصی دارد. این ایام شما احساس می‌کنید در طواف هستید یا احساس می‌کنید در مسجد الحرام مشغول نماز هستید. خیلی حس خاصی دارد. خود این احساس خیلی پیش‌برنده

است. این را باید انسان تشدید کند. در این چند روز این احساس را داشته باشید که احساس خیلی عجیبی است. انسان تصور کند که در سرزمینی وارد شود و مقاماتی حضور داشته باشد و در مناسکی باشد که حضرت ولی عصر هم آنجا هستند. کسانی که وارد عرفات می‌شوند، در این حرکت ولی خدا یقیناً حضور دارد. این حضور، غیر از آن اشراف علمی امام است که همه جای و همه وقتی و همه حالی است. انسان در موسم حج احساس حضور پیدا می‌کند که اینجایی که هستیم، حضرت هم حضور دارد. واقعا جا دارد که غبطه بخوریم به حال کسانی که مشرف هستند. بحث‌های حج و اسرار مناسک، یک طرف که خودش عالمی است. هر چه انسان غور و بررسی کند، چیزهای بیشتری برایش معلوم می‌شود. بزرگان ما مطالب فراوانی در

حج پیامبر، حج امیرالمؤمنین و حجی که مورد نظر حضرت ولی عصر است، شناخته شود. امیدواریم که جلوه‌های جدیدی از پایانه عصر غیبت در حج واقعی مشاهده شود. با انقلاب اسلامی کار خیلی جلو رفت؛ ولی هنوز فاصله ما با حج واقعی خیلی زیاد است و بهره ما از منافع حج خیلی کم است. بهره مؤمنین و مسلمانان از حج خیلی کم است. روزی را تصور کنید که حج به زعامت نایب امام زمان برگزار شود. آن روز، چه روزی خواهد بود؟! چه اتفاق عظیمی در جهان و جامعه مسلمین می‌افتد؟! الان خانه خدا تحت سلطه است و آل سعود، قطعاً غاصبند. حج امروز، حج تقیه‌ای و حداقلی است. این منطقه منطقه آزاد اسلامی است و کسی حق سلطه ندارد، کسی آنجا مالک نیست و متعلق به همه مسلمین جهان است. متنها الان در غضب است، مثل مسجد الاقصی؛

این باره گفته و نوشته‌اند. آنهایی که مشرف شده‌اند، با این چیزها بیشتر آشنا شده هستند. اما برای من شخصاً این‌گونه است که این حس شدیداً انسان را برای حضور در چنین جایی دل‌تنگ می‌کند. حکایت‌هایی نقل شده از بعضی عزیزانی که به فوض بالاتری رسیده و به خیمه حضرت وارد شده‌اند. بالاتر از این را هم شنیده‌ایم؛ اینکه حضرت وارد خیمه آنها شده‌اند!

حرم الهی در اسارت آل سعود

حج، حرکتی عظیم و پرسود پرمفعت و پیش‌برنده برای مقاصد اسلامی است که هر چه از آن بگوییم، کم است. تمام این حرکت عظیم، منفعت و سود برای مؤمنین است و پیش‌برنده و راهگشا است. موانع را برمی‌دارد و راه‌ها را نزدیک می‌کند. خیلی مانده است تا حج قرآن، حج اسلام،

فتنه‌ها شود، خراب نشده است؟ مسجد الحرامی که در آن پرچم اختلاف بین مسلمین برافراشته شود، خراب نشده است؟ خراب‌ترین مکان‌ها است. باید به حال کعبه گریه کنیم.

حرم الهی غضب شده است و باید برای آزادی‌اش دعا کنیم. تصور کنید آزاد شود، چه می‌شود! من سختم درباره عصر ظهور نیست؛ آن روزی که حضرت تکیه بزنند و خود را معرفی کنند. انسان از مژده چنین روزی قالب تهی خواهد کرد. با شنیدن مژده‌اش انسان جان می‌دهد، چه رسد که خود آن اتفاق بزرگ بیفتد.

اما در همین عصر غیبت ان‌شاءالله آن روز را ببینیم که این پرچم در آنجا برافراشته شود و آن منطقه، منطقه آزاد اسلامی شود، در اختیار همه مسلمانان جهان قرار گیرد و کشورهای اسلامی آنجا شعبه داشته باشند، طرح مسئله

مخصوصاً اخیراً که آل سعود باطن خبیثشان بیشتر آشکار شده است. امام راحل اینها را لعنت کردند. رفتارهایی که آنها با مسلمان‌ها دارند، چه فرقی با رفتارهای رژیم صهیونیستی دارد؟ از سلاح‌های نامتعارف و کشتار جمعی استفاده می‌کنند. این غیر از افتضاحی بود که در خود حرم برای آنها رخ داد. حرم غضب شده و حج اینجا، حج تقیه‌ای است؛ لذا منافع حج مشاهده نمی‌شود. گوشه‌ای از حج به مسلمین می‌رسد. آل سعود ملعون کثیف خبیث، مانع ذکر الله در مساجد الله است؛ آن‌هم مسجد الحرام. چه کسی بیشتر از اینها سعی در خراب کردن مساجد دارد؟ چقدر بی‌معرفتند کسانی که فکر می‌کنند اگر کسی آنجا را سنگ کرد و ساخت و ساز کرد، انسان خوبی است. بزرگ‌ترین خراب‌کنندگان خانه خدا، همین آل سعودند. مسجد الحرامی که مرکز

با کاروان حسینی

از روز ترویبه باید دلتان را به یک کاروان دیگر گره بزنید و به آنجا ارتباط دهید. آغاز یک سفر جدید و سلوک است. این همراهی، همراهی با سید الشهداء است. ما هم به استقبال حضرت برویم و آن خطبه شورانگیز را بشنویم. البته امام (علیه السلام) در این خطبه روزه هم خواندند. در این خطبه که حالا یا شب ترویبه بوده یا فردا بوده، امام (علیه السلام) روزه مکشوف خوانده که خیلی تکان‌دهنده است. امام می‌فرماید: گویا من قطعه‌های بدنم را مشاهده می‌کنم که... رفتند سر اصل مسئله. متها با یک بیان حماسی و تعبیر بسیار زیبا: مرگ مرگ مثل گرنند بر گردن دختران زیبا است. [۱] این‌گونه شروع می‌کنند و بعد هم دعوت حسینی است. این برداشت‌ها، معنویت‌ها

داشته باشند، راجع به مسائل بین‌الملل اسلامی گفتگو شود، تصمیم‌های بزرگ گرفته شود، در خدمت نائب امام عصر، نماز بزرگ و باشکوه برگزار شود و... در این صورت حج می‌شود آن حجی که منافعش چشیده می‌شود. حجی که در خدمت خود امام (علیه السلام) برگزار می‌شود، انسان باید برای لحظه‌لحظه‌اش آرزو و دعا کند.

با این قاعده، این چند روز باید این احساس را داشته باشید، ارتباط بگیرید و از نظر قلبی، فکری و عاطفی، به حج، مقاصد و آرمان‌های آن، حجاج و مخصوصاً مؤمنین از حجاج پیوند بخورید. این شب‌ها دلتان همیشه آنجا پرواز کند و در اطراف آن مکان‌های مقدس سیر کند. این ارتباط خیلی پیش‌برنده است و از لحاظ معنوی، فکری، بصیرتی، سلوکی و آرمانی خیلی شوق‌انگیز است.

می‌کردید، ریاستی و حکومتی، و ما هم زیر سایه شما به جایی می‌رسیدیم؟! حضرت فرمودند: آن روز روز اول گرفتاری‌های ما است. شب تا صبح باید بیدار باشید، شب باید اشک بریزید و روز هم عرق بریزید.

لذا در بحث سلوک حسینی، «مهیا شدن برای شهادت و اشتیاق به شهادت» اصلی اساسی است. یکی از گزاره‌های برجسته در تربیت حماسی، تمنای شهادت از صمیم دل است. این آتش را در قلب خود روشن نگه دارید که در پرتو این شعله است که منازل سلوک نزدیک می‌شوند؛ منازلی که گاهی فاصله بین آنها در یک سیر عادی، پنجاه سال تحت نظر استاد زحمت کشیدن است. در سلوک حسینی و به روش اباعبدالله که تجلی کل مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است، ممکن است آن پنجاه سال بشود پنج دقیقه. سرعت سیر

و گشایش‌ها سلوک آغاز سیر و سلوک دیگری است و ورود به رتبه بالاتر معارف توحیدی. اینجا هم خود سیدالشهدا سفره‌اش را پهن می‌کند، روز عرفه‌اش را تهیه می‌کند و در اختیار می‌گذارد. از اینجا با همراهی سید الشهدا عالم دیگری از فهم، درک و مشاهده باز می‌شود. آن فتوحات مکیه کجا و این فتوحات حسینه کجا؟ عالم دیگری است که بر روی اهل معنا گشوده شده است. از فردا شروع می‌شود و تا عاشورا به سرانجام می‌رسد و در اربعین به برداشت می‌رسد.

از همین سحر به سیدالشهدا لبیک بگویید. حضرت فرمودند کسانی می‌توانند با ما باشند که شهادت طلب باشند. اگر شهادت طلبید، می‌توانید با ما باشید. در باز است، هر کسی می‌آید، بسم الله. کسی به امام (علیه السلام) گفته بود: چه می‌شد که برنامه‌ریزی

است، عبارت است از شهادت و اشتیاق به شهادت. برای این کاروان خبر شهادت حضرت مسلم را آوردند. حضرت سیدالشهدا چند جا برای حضرت مسلم این آیه را خواندند: «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالَ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» [۲] از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند».

جا ماندن از کاروان شهادت، خسران عظیم است

هفته دفاع مقدس را در پیش رو داریم. عناصر، نمادها، نمودها و آیات این مکتب، پیش چشم ما است. شهدا، سعادت‌مندان روزگار ما هستند؛ خوشا به سعادتشان! سخنان و اتفاقاتی

انسان افزایش پیدا می‌کند؛ لذا «سارعوا و استبقوا» تفسیر دقیقش به مقام فاطمی و حسینی است. «سارعوا» بروید جلوتر و «استبقوا» سرعت بگیرید و بعد سبقت بگیرید. همه اهل بیت (علیهم السلام) سفینه نجات هستند، اما کشتی حسین (علیه السلام) خیلی سریع‌تر می‌رود و شما خیلی سریع‌تر به مقصد می‌رسید. امام حسین (علیه السلام) یک مکتب عرفانی و عقلانی ایجاد کردند. عقل سرخ این است. بنابراین شب و روز ترویج شب و روز خاصی است و با شب و روزهای دیگر فرق می‌کند. امشب و فردا در این ارتباط گرفتن و همراه شدن با کاروانی که در تاریخ در حرکت است و یار و همراه می‌خواهد و هر روز دعوت می‌خواهد و دعوت می‌کند، بسیار مهم است. خودمان را به آن برسیم. آن چیزی هم که عنصر اصلی و مقوم این سیر و سلوک

که در دیدار رهبری با خانواده شهدا و جانبازان رخ می‌دهد، یک سیره است. حرف‌های ایشان شوق‌انگیز، پیش‌برنده، حیات‌بخش و یک نسخه امروزی تر و تازه است که می‌توانیم از آن استفاده کنیم. شهدای عزیز ما از کسانی هستند که به امام حسین (علیه السلام) لبیک گفتند. جانبازان عزیز که نمادها و حجت‌های عصری دفاع مقدس هستند نیز این‌گونه‌اند. بعضی از چیزهایی که از جانبازان عزیز دیده‌ایم، نشان می‌دهد که بحمدالله این فیض برپا و برقرار است. با داشتن چنین سرمایه‌هایی اگر انسان جا بماند، ظاهراً مرتکب «اثم کبیر» شده است. «اثم» یعنی گناه، «ذنب» هم یعنی گناه؛ اما اثم چیزی است که شما را به تأخیر می‌اندازد و جا می‌گذارد از کاروان و آنهایی که حرکت کردند و دارند با سرعت می‌روند.

در زمانی که این کاروان

حسینی بیش از همه حرکت کرده، یار و همراه می‌گیرد و زنده می‌کند و پیش می‌برد، یک عده جا می‌مانند. خب تو مشغول چه کاری بودی؟ مشغول زندگی! خیلی حسرتش عظیم و بزرگ است.

در همین دعای هشتم، یک جاهایی سرعت ما بیشتر می‌شود و یک جاهایی کمتر؛ چون موضوعاتی خیلی مهمی مطرح شده است. یکی از آنها هم حسرت عظمی است که خدایا من از حسرت عظمی به تو پناه می‌برم. جا ماندن از کاروان در زمان ما، موجب حسرت عظمی و یکی از مصادیق اثم کبیر است. با وجود چنین نمادها و حجت‌هایی، انسان جا بماند! امیدواریم به عنایت سیدالشهدا ان‌شاءالله به این کاروان خودمان را برسانیم و به آن ملحق شویم.

امیدوارم همیشه شعله مقدس شهادت‌طلبی در دل‌هایتان روشن باشد و هر روز

بر گردن آدمیزاده، همانند گردنبندی بر گردن دختران جوان مقدر شده است (مرگ همیشه همراه آدمی است). و اشتیاق من به دیدار گذشتگانم (پدر و مادرم و جدّ و برادرم) همانند اشتیاق یعقوب به دیدار یوسف است». محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶.

[۲]. احزاب: ۲۳.

شعله‌ورتر و پرفروغ‌تر و انتظارش جدی‌تر و قوی‌تر شود. شاخص اصلی برای اینکه کسی بخواهد خودش را در صدق ایمان محک بزند، شوق به شهادت است. هر کسی می‌تواند مراجعه کند به دلش و ببیند چقدر شوق به شهادت دارد. اگر کم است یا اگر نیست، باید خود را معالجه کند و آن را از خدا بخواهد. وقت خواستش امشب است، شب ترویبه که آغاز حرکت کاروان حسینی است.



منابع و مأخذ

[۱]. «حُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَحَطَّ الْقَلَادَةِ عَلَى جَيْدِ الْفَتَاةِ، وَ مَا أَوْلَهْنِي إِلَى أَسْلَافِي أَشْتِيَاقُ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ؛ مَرگ





افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

بعد از نماز مغرب و عشاء

(۶ ماه دوم سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر